قبول مسئولیت در ناامید کردن نومیدی



فریدون صدیقی
استاد روزنامه‌نگاری

... چون هرگونه توضیح و تحلیلی می‌باید برپایه شناخت اجزا و عناصر واقعی و چندوجهی ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و نیز نقش خود در قبال پدیده باشد که غالبا نیست. یعنی وقتی از دشواری زندگی می‌گوییم، باید یادمان باشد که اساسا انسان با گریه به دنیا می‌آید تا خندیدن بیاموزد، تا شادی و نشاط و لذت را بسازد و نیز کشف کند. حق با شماست؛ باید امیدوار بود و امیدوارانه در جدوجهد بود تا ارزش‌های غنی و والای زندگی در چرخه بودن‌ها و چگونه بودن‌ها، تجلی پیدا کند.

حق با شماست؛ نبرد ما برای گذر از تنگناها و بریده‌راه‌ها، جدالی ابدی است و معجزه انسان در همین نبرد پرفروغ است. البته در هر حال نباید فراموش کنیم که ما نمی‌توانیم مانع پرواز پرنده بر فراز سرمان باشیم یا از خورشید بخواهیم در زمستان، بسان تابستان گرما ببخشد؛ چون پرنده بی‌پرواز، پرنده نیست و خورشید باید همرنگ چهار فصل باشد.

من جایی نرفته‌ام. همین‌جا هستم و قول می‌دهم که دیگر دروغ نگویم.

کاش پیش‌تر از این‌ها می‌فهمیدم که هر نیمه خالی، نیمه‌پری هم دارد.

کاش باور کنیم که زندگی یعنی امیدواری، یعنی قبول مسئولیت در ناامید کردن ناامیدی.

تاریخ‌نگار

۰۳ آذر ۱۳۸۵

انتشار نخستین شماره روزنامه مجلس

رضا سلیمان نوری



تحقق خواست مردم برای تبدیل سیستم حکومتی کشور از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه که با امضای فرمان مشروطیت به‌دست مظفرالدین‌شاه تأیید شد، ملزوماتی هم داشت. یکی از این ملزومات مهم، تأسیس مجلس شورای ملی بود؛ مجلسی که هرچند بسیار مهم بود، تجربه فعالان مشروطه نشان داده بود که برای بیان هر سخنی، بلندگویی لازم است و با توجه به شرایط زمان، مهم‌ترین بلندگو چیزی جز انتشار نشریه نیست. بدین ترتیب مطبوعات ملی که قبل از مشروطه در خارج از کشور به چاپ می‌رسیدند و منبع اصلی خبرهای داخلی و خارجی برای مردم و انقلابیان پایتخت و دیگر شهرها به‌حساب می‌آمدند، پس از تشکیل مجلس به داخل کشور منتقل شدند که اهل مجلس تلاش کردند رسانه خود را داشته باشند.

به همین منظور، دستور تأسیس روزنامه مجلس داده شد و نخستین شماره آن، ۳ آذر ۱۲۸۵ خورشیدی در هشت صفحه با چاپ سربی منتشر شد. در این روزنامه علاوه بر درج اخبار خارجی و داخلی، همه مذاکرات مجلس شورای ملی منعکس می‌شد. امتیاز این روزنامه به موجب فرمان مظفرالدین‌شاه، به‌عهده میرزامحسن مجتهد در اوان مشروطیت قرار گرفت و مدیریت آن با سیدمحمدصادق حسینی طباطبایی و سردبیری اش با ادیب‌الممالک فراهانی بود. از خصوصیات روزنامه این بود که آزاد بود و مشمول سانسور نشد. این روزنامه هشت‌صفحه‌ای که از منابع مهم شناسایی نخستین رجال پارلمانی ایران بود، ۶۸ شماره ابتدایی اش هر دو روز یک‌بار چاپ می‌شد و پس از آن به‌صورت روزانه انتشار یافت. روزنامه مجلس به‌لحاظ قطع و انتشار و کیفیت طرح مطالب، از وزین‌ترین روزنامه‌های قبل از کودتای محمدعلی‌شاهی محسوب می‌شود. این روزنامه با به توپ بستن مجلس شورای ملی به دستور محمدعلی‌شاه و تبعید مدیران روزنامه، مدتی تعطیل شد و سپس با جایگزین شدن شیخ یحیی کاشانی با طباطبایی و ادیب‌الممالک، انتشارش تا پایان دوران قاجار ادامه پیدا کرد. روزنامه مجلس را در سال ۱۳۷۵ طی پنج مجلد، کتابخانه مجلس باز چاپ کرد. همچنین نسخه الکترونیکی آن علاوه بر لوح فشرده‌اش در مرکز توزیع انتشارات مجلس موجود است.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

این متن ضعیف را در کانالی دیدم:

ناویراسته

مهم، مهم / هرگز در معابر و خیابان‌ها از افرادی که مطمئن نیستید که هستند، ماسک رایگان نگیرید! ممکن است توسط آن ماسک گرفته شده بیهوش شوید و ماشین، فرزند یا تمام دارایی‌تان دزدیده شود! خواهشا زحمت اطلاع‌رسانی گسترده این هشدار را بکشید، خیلی از هموطنان ما از این کلاهبرداری بیخبر هستند.

ویراسته

مهم!

هرگز در خیابان‌ها از افراد ناشناس، ماسک رایگان نگیرید. ممکن است ترفندی برای بیهوشی شما باشد (آن ماسک شما را بیهوش کند) و ماشین، فرزند یا تمام دارایی‌تان دزدیده شود. لطفا این هشدار را بازنشر کنید. خیلی از هموطنان ما از این کلاهبرداری بی‌خبر هستند.

#زین_قند_پارسی

اوضاع خیلی خیطه؟

ارژنگ حاتمی

لطفا مسئولان پیگیری کنند؛ هرطور حساب می‌کنم، این روزها دوز اخبار عجیب، رفتارهای عجیب، اظهارنظرهای عجیب و... بیش از اندازه زیاد شده است. وقتی برخی اخبار را کنار هم می‌گذاری، احساس می‌کنی یک جای کار می‌لنگد. شاید هم دسیسه‌ای در کار است. تا چندوقت پیش، بخشی از مردم در حرکتی عجیب، هربار که تعطیلی‌ای وجود داشت، بار سفر را می‌بستند و به شمال می‌رفتند، هرقدر هم می‌گفتیم «کرونا»، توصیه‌هایمان را به کبدشان می‌گرفتند. اما کم‌کم این درجه از عجیب بودن وارد صداوسیما هم شده است؛ بهمن هاشمی در تلویزیون شیر جه رفت و ادای راه رفتن فلامینگو را درآورد. بعدش هم این عجیب بود که رفت سراغ سخنان و اقدامات برخی مسئولان؛ چه آن رئیس جمهور سابقی که گفت مسئولی در ایران، پول گرفته و داروی کرونای سازمان بهداشت جهانی را روی ۳ هزار و ۵۰۰ ایرانی تست کرده است(!) و چه آن مسئول گرامی‌ای که فکر می‌کند با بسته حمایتی ۱۰۰ هزار تومانی، طرف می‌تواند در مغازه‌اش را ببندد و در خانه، خودش را قرنطینه کند و تیر خلاص و نهایی را هم بهروز افخمی به مازد که بعد از ۲۰، ۳۰ دفعه خواندن نامه‌اش خطاب به وزیر بهداشت، دقیقا متوجه نشدیم نگران این است که مردم از کرونا بترسند یا نگران کلاه آقای وزیر است! درهرصورت، به‌عنوان کسی که این روزها اخبار را رصد می‌کند و این حجم خبر عجیب را می‌بیند، احساس می‌کنم یا آب شربمان ناخالصی‌اش زیاد شده است یا برخی مردم، مغازه‌ای را که از آن جنس می‌خرند، عوض کرده‌اند یا این خارجی‌ها در برنج‌ها و گندم‌هایی که وارد می‌کنیم، چیزی می‌ریزند و چیز خورمان کرده‌اند، وگرنه کلا نباید شاهد این میزان خبر و اتفاق عجیب باشیم. البته در پایان لازم به ذکر است که هنوز برخی خبرهای منطقی و خوب وجود دارند که به‌نوعی دلگرمی محسوب می‌شوند و ما درمی‌یابیم که اوضاع هنوز خیلی هم خیت نشده است. نمونه‌اش این خبر که با توجه به تجربه موفق پخش کردن سیب‌زمینی رایگان در سال‌های گذشته، در یکی از استان‌ها اقدام به توزیع بادمجان مجانی شده است و کیست که نداند بادمجان چقدر برای سلامتی روان و جسم، مخصوصا در این روزهای کرونایی لازم است!

روزنامه شهرامید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۰۳۰۰۹۹
۲شنبه
۲۴ صفحه+۸ صفحه+۴ صفحه ورزشی
+۴ صفحه شهربانو+۸ صفحه شهرآرا محله
شماره ۳۲۵۶ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

حدیث روز

هیچ زیبایی‌ای از خرد نیکوتر نیست.

امام محمدباقر(ع)

رطوبت هوا ۷۲٪
صبح ۳- | ظهر ۴°
عصر ۶° | شب ۰°
۷° ↑ -۱° ↓

اذان ظهر ۱۱:۱۸
غروب آفتاب ۱۶:۱۸
اذان مغرب ۱۶:۳۸
نیمه شب شرعی ۲۲:۳۴
اذان صبح فردا ۴:۴۹
طلوع آفتاب فردا ۶:۱۸



روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
چاپ: شهر چاپ خراسان

کارتون شهر



محمدرضا میرشاه‌ولد

به گفته محققان، کرونا روی سیب و گوج‌فرنگی تا ۲۴ ساعت و روی خیار تا ۷۲ ساعت قابلیت بیماری‌زایی دارد

کرونا + زندگی

با کرونا، جنسمان جور شد



زهیر موسوی
روزنامه‌نگار

وقتی حرف از خاطره‌بازی می‌شود، بیشتر ما یاد دهه ۶۰ می‌افتیم؛ دهه‌ای که بچه‌هایش در طول عمر خود آن‌قدر بالاوپایین زندگی را دیده‌اند، ببخشید فقط پایین زندگی را دیده‌اند که می‌شود برای هر زندگی یک رمان بلند نوشت. ما وقتی متولد شدیم، جنگ بود. وقتی به مدرسه رفتیم، در میزهای چهارنفره نشستیم. در دانشگاه پشت کنکور ماندیم. جوانی‌مان هم با تحریم گذشت و نسلی هستیم که قیمت‌ها مانند زندگی‌مان، ثبات نداشت. در کودکی‌مان در عروسی بچه‌های دهه ۵۰ شرکت کردیم و در جوانی هم به عروسی بچه‌های دهه ۷۰ رفتیم اما خودمان... همه این‌ها گذشت و ما بازهم امیدی برای آینده داشتیم. دلمان به عزیزانمان خوش بود و زندگی در جریان بود اما از اسفند سال گذشته، شرایط در کشور و همه جهان متفاوت شد. ویروسی عجیب به نام کرونا که از بچه دوساله تا سالمند نودساله نامش را شنیده‌اند، همه زندگی ما را تحت‌تأثیر خود قرار داد. گویی بچه‌های دهه ۶۰ برای تجربه متفاوت زندگی خود همین یک قلم را کم داشتند که جنسشان جور شود. کرونا آمد و اوایل، هرکسی برای درمان آن تجویزی داشت. اکثر ما هم عاشق شایعه هستیم. اصلا گاهی دنبال شایعه می‌گردیم و از خبردار شدن آن هم لذت می‌بریم؛ مثلا با یک تجویز زنجبیل در فضای مجازی، قیمت آن تا یک‌میلیون تومان هم رسید، دیگر بگذارید از روغن بنفشه حرفی نزنم. درواقع با کرونا روش زندگی همه ما فرق کرد و حیات ما با ماسک و یک الکل جیبی، شکلی متفاوت به خود گرفت. تا قبل از همین اسفند، پارسال کمتر دست‌هایمان را می‌شستیم و شاید کمتر کسی یادش باشد که آخرین‌بار چه زمانی وسایلش را ضدعفونی کرده است، اما این روزها ضدعفونی روزانه وسایل مانند گوشی تلفن‌همراه، تبدیل به امری طبیعی در زندگی‌مان شده است.

شرایط در دوران کرونا واقعا سخت است اما ما بازهم یاد گرفتیم استقامت کنیم؛ البته استقامت در برابر بعضی چیزها خیلی سخت است. فکر کن تمام این مدت نتوانی به خانه پدر و مادرت بروی و اگر هم با رعایت همه نکات و دستورالعمل‌های بهداشتی رفتی، حق نداری آن‌ها را در آغوش بکشی تا برای لحظه‌ای همه دردهایت را فراموش کنی. نمی‌دانم، شاید کرونا باعث شد بیشتر قدرشان را بدانیم. شاید کرونا دلمان را بیشتر برای هم تنگ کرده است اما یادمان باشد با همه این بدی‌ها، هنوز اگر پدر و مادرمان در کنارمان هستند، این یعنی نعمتی که باید قدرش را بدانیم. نکند آن‌ها را در غربت به خاک بسپاریم؛ غربتی که تا عمر داریم، فراموشش نخواهیم کرد. با همه این احوال، کرونا سرانجام تمام می‌شود اما دنیای بعد از کرونا دیگر مانند قبل از آن نخواهد بود. قطعا بازهم، همه ما وسواس ضدعفونی خواهیم داشت. شاید دیگر روابطمان مانند قبل نباشد و شاید حالمان هم مثل قبل خوب نباشد اما بازهم باید بدانیم که این زندگی در جریان است. درواقع دوران کرونا از آن برهه‌هایی در زندگی ما دهه‌شصتی‌هاست که هیچ‌وقت فراموش نمی‌شود و در آینده از خاطراتش برای کودکانمان خواهیم گفت اما امیدوارم هیچ‌گاه آلبوم عکس‌هایمان را برای کودکانمان نیاوریم که بگوییم این عزیزمان را به‌دلیل توجه نکردن به دستورالعمل‌های بهداشتی و سهل‌انگاری از دست دادیم.

ضرب‌المثل

چاه‌کن ته چاه است

کسی که توطئه می‌کند تا دیگران را به دردسر بیندازد خودش دچار دردسر و گرفتاری می‌شود.



مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید

«لایف» ۸۴ ساله شد

کیوسک

«لایف» یک هفته‌نامه آمریکایی است که عمده فعالیت‌هایش در زمینه انتشار عکس‌های خبری است و قدمتی هشتادوچهارساله دارد. اولین شماره این مجله را در نوامبر ۱۹۳۶ و هم‌زمان با جنگ جهانی دوم، هنری لوک، بنیان‌گذار مؤسسه تایم، با تأکید بر عکاسی خبری منتشر کرد. انتشار «لایف» به‌صورت هفته‌نامه تا سال ۱۹۷۲ ادامه داشت تا اینکه به‌طور ناگهانی متوقف شد. ۶ سال بعد و در سال ۱۹۷۸ دوباره انتشار آن به‌صورت ماهانه آغاز شد؛ البته این بار نیز در سال ۲۰۰۰ در انتشار آن وقفه افتاد تا اینکه در سال ۲۰۰۴ دوباره انتشار آن به‌صورت هفته‌نامه شروع شد و تا آوریل ۲۰۰۷ ادامه یافت و از آن زمان تاکنون، شماره جدیدی از آن منتشر نشده است و دسترسی به آن فقط از طریق اینترنت ممکن است.

تیراژ اولیه لایف، ۳۰۰ هزار نسخه در هفته بود که پس از چهار ماه به یک‌میلیون نسخه افزایش پیدا کرد. محبوبیت این مجله تا جایی بود که گاهی در یک هفته تا ۱۳ میلیون نسخه هم فروش داشت. خاطرات روزانه هری ترومن، وینستون چرچیل، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، ترور جان اف کندی، رئیس جمهور پیشین آمریکا، تصاویری از هنرپیشگان مشهور سینما و بسیاری از شخصیت‌های مشهور دیگر، تصویر نادیده‌هایی از آنچه در جنگ جهانی یا جنگ ویتنام روی می‌داد و کمترکسی می‌توانست آن‌ها را از نزدیک ببیند و عکس‌هایی از شادی و غم مردم عادی که حس دنیای اطراف را به مخاطب می‌داد، در این مجله چاپ می‌شد.

لایف، مقاله‌ای پنج‌صفحه‌ای درباره فیلم بحث‌برانگیز «تولد یک نوزاد» منتشر کرد که نمایش آن در آمریکا ممنوع شده بود. همین مقاله باعث شهرت این مجله شد و البته این شماره از لایف در ۳۳ شهر آمریکا توقیف شد. عکس‌های چاپ‌شده بر روی جلد مجله نیز بسیار مشهور بودند. شاید یکی از معروف‌ترین آن‌ها، عکسی بود که «آلفرد آیزنشتت» سال ۱۹۴۵ در نیویورک از «روز پیروزی بر ژاپن» گرفته بود.

در ۱۹۴۱ و با ورود آمریکا به جنگ، لایف نیز وارد جنگ شد و با گزارشگران مرد و زن خود، به‌صورت هفتگی گزارش‌ها و عکس‌های جبهه‌های جنگ را منتشر می‌کرد. در ۱۹۴۲ مسابقه‌ای هنری با جایزه‌ای هزار دلاری بین نظامیان برگزار کرد که ۱۵۰۰ عکس در این زمینه دریافت کرد و ۱۶ عکس برتر را چاپ کرد.

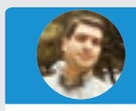
لایف در سال ۱۹۶۷ جایزه ملی مجلات را برد.







Tweets



امیرعلی مصفا | دانش‌آموخته حقوق بین‌الملل

یه سوژه خوب برای مصاحبه در این روزها، مصاحبه با متولدین ۶۶/۶/۶ است. ۷۰/۷/۷ هم خوبه. بیان بگن رندی چه تأثیری در زندگی‌شون داشته، بلکه مشتاقان ۹۹/۹/۹ کوتاه اومدن.



هدا هاشمی | خبرنگار

رئیس بخش عفونی بیمارستان امام‌خمینی(ره) تهران: بیمارستان‌های دولتی واقعا جا ندارند. بیماران کرونا حتی با داشتن ۱۰۰ میلیون تومان پول برای بستری در بیمارستان خصوصی، جا پیدا نمی‌کنند. ایرنا

من، جواد! یک استقلالی ام

پس از بازی پرسپولیس و صنعت نفت، کاربران فضای مجازی از دست جواد خیابانی، حسابی عصبانی شدند

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

سوژه روز

محال است جواد خیابانی یک بازی را گزارش کند اما دقایقی بعد از شروع آن بازی، واکنش کاربران مجازی در مورد نحوه گزارش کردن او و صحبت‌هایی که حین گزارش به زبان آورده است، آغاز نشود. واکنش‌هایی که بار غالب آن‌ها شوخی با او و دست انداختن اوست و نیش‌وکنایه‌هایی که برخی اوقات واقعا غلظت شدیدی می‌گیرد و تبدیل می‌شود به گله‌ها و شکایت‌های متعدد. معمولا هم به‌خاطر اشتباه‌ها و به‌قولی همان گاف‌هایی است که از خیابانی سر می‌زند. همین چندوقت پیش بود که در بازی استقلال با الشرطه، از شباهت چهره هرووبه میلیچ، بازیکن استقلال، با لیونل مسی گفت و تا مدت‌ها سوژه‌ای بود برای کاربران و فوتبال‌دوستان. داستان این اشتباه‌ها البته بارها و بارها واضح و مستقیم به روی خودش هم آورده شده است که آیا او از روی عمد و قصد این اشتباهات را مرتکب می‌شود تا سبب خنده‌ای را فراهم کند و لذت ببرد که خیابانی در پاسخ به این سوال خنده‌اش گرفته و گفته است: «مگر من دیوانه‌ام؟ اشتباه است، پیش می‌آید.» حالا بعد از بازی پرسپولیس و صنعت نفت که درنهایت با یک گل به نفع تیم پرسپولیس تمام شد، محملی را برای کری‌خوانی‌های دوباره آبی‌ها و قرمزها فراهم کرده است. فضای مجازی پر شده است از نظرها و توئیت‌ها درباره گزارشگر این بازی که جواد خیابانی بود. توئیتر که غلغله‌ای به پا کرده بود برای خودش، با این تفاوت که این مرتبه کاربران جدای از گوشه‌وکنایه‌هایی که نثار خیابانی و جمله‌بندی‌ها و کلماتش می‌کردند، از این شاکی شده بودند که چرا او این قدر واضح طرفدار پرسپولیس نبودنش را به رخ کشیده و ناراحتی‌اش را از باخت صنعت نفت و بیشتر از آن، برد پرسپولیس علنی کرده است. کاربری نوشته بود: «آقای خیابانی، اگه از سوت پایان ناراحت شدی، می‌خوای بگم بازی ادامه پیدا کنه؟» و دیگری برای او نوشته بود: «تو گزارشگری، باید بی‌طرف باشی. ولی خیلی واضحه که طرفدار استقلالی.» در این میان، کاربرانی هم بودند که فارغ از این بازی و حاشیه‌هایش، یادی از عادل فردوسی‌پور کرده و نوشته بودند: «ای کاش عادل فردوسی‌پور برگرده به تلویزیون.» البته جبهه مخالفانی هم وجود داشت؛ کاربرانی که به دفاع از او پرداخته بودند و از اینکه دیگران، این قدر او را هدف هجمه قرار داده بودند، شاکی بودند: «قبول کنید در قضاوت‌هاتون، خیلی دارید بی‌انصافی می‌کنید.» خیابانی البته به‌جز حاشیه‌ها و گاف‌هایش، به‌خاطر رقیق‌القلب بودن و بغض‌هایی که گاه‌به‌گاه روی آنتن می‌شکند، هم در ذهن‌ها ماندگار شده است. نمونه‌اش، وقتی مهمان خندوانه شده بود و از این گفت که نتوانسته است ورزش را ادامه بدهد و حالا انگار قسمت این بوده است که طور دیگری در خدمت مردم باشد و به قول خودش: «نوکری مردم را بکنم» که بعدش، بغضش گرفت. یا وقتی که زلزله اسفبار کرمانشاه رخ داد، او روی صندلی برنامه فوتبال برتر نشست و از مسئولان خواست که با تمام توان به کمک زلزله‌زدگان بیایند و بازهم طاقت نیاورد و چیزی در گلویش شکست. کاربری چندوقت پیش در توئیتر نوشته بود: «حالا کاری ندارم جواد خیابانی تو گزارشاش خیلی سوتی داده (هر چند نسبت به گزارشگرای الان شاخه) ولی بعضی وقتا حرکت‌های قشنگی می‌کنه؛ مثل کمک به زلزله‌زده‌های کرمانشاه یا همین داوطلب شدنش برای کمک تو بیمارستان.» که به‌نظر اشاره‌ای است به نامه‌ای که با هدف اعلام آمادگی او برای حضور در میان کادر درمان در بحبوحه بحران کرونا در فضای مجازی، در برخی خبرگزاری‌ها دست‌به‌دست شد. خلاصه اینکه لابه‌لای تمام انتقادهایی که به او و نحوه گزارش کردنش می‌شود، کاربرانی هم هستند که حسابی او را دوست دارند و معتقدند: «خیابانی عشق است و تمام!»

